



گفتارهای رادیویی

برنامه فارسی صدای انقلاب عمان

شماره ۱

انتشار از :

فدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در فرانسه

اکتبر ۱۹۷۸

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

توضیح

گفتارهایی که در این دفتر مطالعه مینمائید در فاصله زمانی خرداد تا تیر ماه ۱۳۵۷ از برنامه فارسی رادیو صدای انقلاب عمان پخش گردیده است. ترتیب آنها به علت روشن نبودن دقیق زمان پخش آنها مراعات نشده و در جاهایی که صدای برنامه رادیویی شنیده نمیشده با (.....) مشخص گردیده است. همچنین در برخی موارد به علت عدم وضوح صدا امکان بیدقتی در لغات و کلمات و یا جا افتادن آنها موجود میباشد. سرتیترها در اصل گفتارها نبوده و ما بعداً آنها را اضافه نمودیم. (قد راسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در فرانسه)

درسهای قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و وظائف

نبردهای انقلابی

طوفان خشم مردم سیل مهاجمی است که خاشاک و سنگ را از جای می کند
رود بزرگ سرخ توانا از راه می رسد .

محضنان مبارز! کارگران و زحمتکشان ایران! در بود بر شما!

در ماههای اخیر رشد و اعتلای جنبش انقلابی شما بر طلیه رژیم وابسته به امپریالیسم ایران نمود بخش آینه ای تابناک و
شکوفان در ساختن ایرانی مستقل - آزاد و آباد بوده است این عزیزها و اعتراضات جمعی و گسترده بخوبی بیانگر ارا-
ده تاریخشان شما خلقهای مبارز برای در هم شکستن نظام وابسته حاکم در ایران می باشد .

امروز توده های رنجبر و قهرمان ایران در زیر فشار اختناق و ترور رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن تسلیم نشد و همچ
سنان بیگمرد در دما استوار و تسلیم نا پذیر خود را برافراشته و با نشانه گیری بسوی ارتجاع داخلی و حامیان امپریا-
لیستی آن مصمند که بیکار و برای همیشه بیوفندی دولت را از گردن و دست و پای خود پاره سازند . این مبارزات قهر
- آمیز توده ای از درگیری و اعتراضات رضایر می ساکین خارج از محدوده تهران در بر خورد با رژی که مزدوران خود را
برای تخریب خانه های این خاطق فرستاده بود آغاز گردید و در ادامه خود به تظاهرات خشم آلود مردم مبارز تم قیام دلاور
سازد تیریز و عزیزشهای سرتاسری و یکپارچه ماههای اخیر انجامید . امتداد و ادامه این مبارزات تا خرداد ماه جاری و
بخصوص اعتراضاتی که برای بزرگداشت قیام خوزین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ صورت گرفت بیکار دیگر خاطره این روز تاریخی را
در خاطره ها زنده کرد . اما از قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا عزیزشهای گسترده و توده ای ماههای اخیر جنبش انقلابی
خلقهای مبارز ایران راه بس درازی را پیموده است . اگر در پانزدهم خرداد ۴۲ رژیم توانست با غافلگیر نمودن جنبش آترا
شدید آسروکوب و مصلحتی سازد این بار در عزیزشهای ماههای اخیر ما شاهد آن هستیم که تبه های زحمتکش ایران با توسل
به عامل قهر و خضوت انقلابی در بر خورد به قوای ارتجاع با حفظ ابتکار عمل دشمن را از محلات قهرآمیز و تهاجمی خود
مستاصل نموده اند . پلیس و ارتش مزدور رژیم خائن و وابسته به امپریالیسم شاه با استفاده از هللی کثیر و خودروهایی نظای
بهمنظا هر کنندگان حمله برده و روی آنها آتش می گویند . رژیم در هراس و وحشت از جنبش توده ها مراکز بسیاری از شهرها
را مورد اشغال نظامی و برقراری نوبی حکومت نظامی قرار داد .

اما توده های رنجبر و مبارزه جوی ایران دیگر از این ابزارهای سرکوبگر رژیم فاشیستی باکی ندارند . آنها در این نمایش و
خیزشهای تاریخی خود صد ها مرکز و ارگان وابسته به رژیم مزدور شاه و سرمایه داران غارتگر خارجی را با خاک یکسان کرد
- ند . اکنون مردم مبارز ایران بدستی به این حقیقت می یابند که تا سرنگونی کامل رژیم وابسته و قطع نفوذ کلیه اجاب

ریالیستها از ایران هیچیک از درخواستهای حق طلبانه و دموکراتیک آنها ته مین نخواهد شد . آری جنبش انقلابی

خلقهای ایران از خرداد ۱۳۴۲ تا خرداد ماه ۱۳۵۷ سیر بر فراز و نشینی را طی کرده است سنگبری ضد امپریا-

لیستی - ضد سلطنتی این مبارزات و همچنین بیکار برده شدن عامل قهر در این عزیزها بخوبی نمایانگر رشد و تکامل

بازرزه ای است که از طرح شمارها و درخواستهای صنفی - اقتصادی به سطح شمارها و مطالبات سیاسی ارتقا یافته است. این اعتلا، نهی که از اولین علائق لرزه بر بیکر رژیم دست نشانده شاه انداخته است، ی رود تا به يك طوفان عظیم انقلابی و سرتاسری برای برانداختن نظام حاکم ایران تبدیل گردد. در این میان رژیم مزدور پهلوی برای سرکوب جنبش و هر آنچه در تیان داشته استفاده کرده است: از بیگلیه بستن و بیخون کیدن توده های معترض تا دستگیری و شکنجه، میهن پرستان و بالاخره توسل به توطئه های گوناگون بخاطر رخنه در جنبش انقلابی و برای به انحراف کیدن آن همه رآزآمده ولی در همه زمینه ها با شکست مواجه شده است. آخر مگر رژیم شاه مزدوری تواند به این وسیله ها بدست خود تضادها و بحرانهائی را که زاییده وجود و سلطه نامیمن خودشی بی باشد حل نماید. مگر کارگر ایرانی عزیز کار و مشقت توانفرسائی که روزانه متحمل می شود از عدم تامین اجتماعی و ابتدائی ترین نیازهای زندگی یعنی نان - مسکن و آزادی رنج نمی برد. مگر دهقان ایرانی از فقر دیردی و عدم بر خریداری از حاصل دسترنج خود بیستگ نیامده است. مگر سایر زحمتگان ایران از پایین بودن سطح دستمزد ها - گرانی سرسام آور ارزاق و فشار اختناق و اجحافات دستگاه های دنیی بسته نیامده اند. مگر دانشمیان مبارز و روشنفکران دموکرات ایران از شدت استبداد و ترسور رژیم سرمایه داری وابسته و حاکمیت امپریالیسم و تمام شریان های حیاتی کشور برآخته نشده اند. آیاه در چنین شرایطی رژیم غارتگر و سرسپرده شاه خائنی تواند خشم و نفرت آنان را از نظام حاکم فرونشاند. و با دادن مانورهای توده های خلق را از مبارزه برای تامین حقوق حقه و ابتدائی خود باز دارد. رفاه و تامین اجتماعی و آزادی واقعی و حتی برای خلد - قهای تحت ستم ایران فراهم می شود که رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه به تمام معنا سرنگون گردد. بجا می حاکمیت بورژوازی وابسته حاکمیت خلق کارگران - دهقانان و سایر زحمتگان جامعه برقرار گردد.

در چنین دورانی که بیشتر از هر زمان دیگر شرایط برای بسط و گسترش مبارزه انقلابی بخاطر فراهم نمودن زمینه های مناسب برای انجام انقلاب دموکراتیک مسلط می باشد باید با سازماندهی قهر انقلابی توده ها سرنگینی رژیم ارتجاعی حاکم را تدارک دیده همین جهت گیه عناصر و نیروهای آگاه جامعه و بخصوص مارکسیست - لنینیستها می بایست در این شرایط خضیر گیه امکانات و نیروهای انقلابی خود را بکار سیاسی و تشکیلاتی در میان طبقه کارگر و سایر زحمتکسا - ن جامعه اختصاص دهند این موضوع بخصوص از آن جهت قابل توجه است که در شرایط کنونی جنبش خود بخودی توده ها فراتر از جنبش متحرک و سازمان یافته انقلابی و کمونیستی حرکت می کند. جنبش حق طلبانه و انقلابی خلق هم اکنون فائد ستاد رهبری واحدی می باشد این امر نشانه ضعف بزرگی است که جنبش دموکراتیک و انقلابی خلق را به خطر براندگی - خرده کاری و انحراف تهدید می کند.

زیرا بدون بیرون سیاسی توده ها بدون سازماندهی توده های خلق بدون ایجاد تشکیلات منضبط سیاسی بدون بر خیزداری از رهبری سازمان واحد و نایند "انقلابی طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست امر انقلاب دموکراتیک و سرنگینی رژیم ارتجاعی وابسته به امپریالیسم تحقق نخواهد پذیرفت انقلاب دموکراتیک ایران تنها بدست توانائی توده های تحت ستم و از طریق سازمان های سیاسی نماینده آنها و تحت رهبری حزب پرولتاریا می تواند به ثمر برسد. بنابراین در اوضاع و احوال کنونی عمده ترین وظیفه انقلابیین راه یافتن به دریای پرروش و خروش توده ها آموختن از آنها و متقابلاً آموزش آنها می باشد تا زمانی که توده های عظیم و زحیم ایران از آگاهی سیاسی - طبقاتی و همچنین اهرمهای تشکیلاتی لازم برای تحقق بخشیدن به امر انقلاب بر خیزداری نباشند نمیتوانند نظام حاکم را سرنگون سازند اکنون بازنده سال از ترمه ای که نیروهای انقلابی خلق در بازنده خرداد ۱۳۴۲ در این زمینه بدست آورده اند می گذرد ولی ششماه اخیر نیروهای انقلابی نتوانسته اند با کارگران - دهقانان و سایر زحمتگان جامعه پیوندی عمیق و نزدیک بر -

از نسبو استناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قرار نمایند. آری بدون کارگاه‌هاگهانه سیاسی در میان زحمتکشان بدون تشکک و سازماندهی مبارزات خود بخودی توده‌ها سی خلق بدون آگاهی سوسیالیستی بیان کارگران و بالاخره بدون برقراری ارتباط مستقیم و فشرده با توده‌ها نمی‌توان مانع از ضربه پذیری جنبش‌شد در شرایط کنونی که از یک طرف شاهد برآمد و رفتند. فزاینده و مبارزات و اعتراضات توده‌های ملیونی خلق و متقابلانهم ارتباط فعال و مستحکم انقلابیون و بجزیره کمونیست‌ها با جنبش خود بخودی زحمتکشان هستیم و از طرف دیگر بی‌بینیم که عناصر و جریانهای لیبرال و سازشکاری کوشند تا با بدنهال کشیدن جنبش‌آنها وسیله معامله و زد و بند خود با هیئت‌حاکمه و محافظ اسبرالیستی قرار دهند چه امر دیگری می‌تواند حیاتی تر و ضروری‌تر از کار بر حوصله سیاسی - تشکیلاتی در میان توده‌های ملیونی خلق و بخصوص کارگران برای هدایت جنبش انقلابی و دمکراتیک به سر منزل واقعی خود باشد.

بنابراین در شرایط کنونی فعالیت همه جانبه - تئوریک - سیاسی و سازمانی برای پیوند با جنبش طبقه کارگر و توده‌های تحت ستم در صدر وظایف تلم انقلابیون میهنان قرار دارد.

وقتی که میهن شونو ایران چون تشنه‌ای که سخت فرمانده در کیرت‌ان و فتنگ و سازماندهی می‌خواهد. باید که تلم هستی خود را در راه آزادی خلق رها سازیم.



جنبش توده‌ها و دمکراتیسم پیگیر

هموطنان مبارز - کارگران و زحمتکشان ایران - درود بر شما!

در روزهای گذشته موج دیگری از مبارزات قهرآمیز شما توده‌های زحمتکش قسمتهایی از ایران و از جمله کرمانشاه و شیراز را فرا گرفته است. ثبات رژیم در مانده شاه‌خاقان از یکطرف روز بروز با اوجگیری این مبارزات دموکراتیک و حق طلبانه بیشتر بخطر میافتد و از طرف دیگر انعکاس این مبارزات انقلابی در داخل طبقه حاکم ایران موجب بروز نفاق و چند دستگی شده‌ی می شده است. شاه و باند جنایتکار او می‌باید از یکطرف ضمن طرح‌ریزی نقشه‌های فاشیستی در فکر سرکوب نمودن و به انحراف کشیدن جنبش انقلابی باشد و از طرف دیگر با اتخاذ تدابیری مسالمت جویانه مخالفتهای سلطه طلبانه و رقابت جویانه سایر رقبای متحدین عمیجی خود را که در دستگاه هیئت حاکم در کین جاه و مقامی بهتر نشسته‌اند فرو بپاشند. رشد این اختلافات در بیرون هیئت حاکمه بعدی است که بعضی از وزرا و نمایندگان حزب فاشیستی رستاخیز از ترس شدت خشم و نفرت مردم ترجیح داده‌اند که حساب کار خود را از این حزب که در نزد توده‌ها افشا و طرد شده است جدا کرده و مستقلا به فعالیت بپردازند. شاه و دایره دسته سرمایه‌داران وابسته به او برای مقابله با چنین وضعی عده‌ای از ایدئولوگهای بورژوازی و روشنفکران خود فروخته را که تحت عنوان گروه "بررسی مسائل ایران در برتسو انقلاب شاه و مردم" و زیر نظر یکی از روشنفکران بورژوازی وابسته بنام هوشنگ نهبانندی جمع آوری شده‌اند مأمور بررسی اوضاع ناپسامان جامعه و ارائه طرح‌های جدیدی برای فرونشاندن آتش مبارزات انقلابی و سروسا - مان بخشیدن به اختلافات درونی طبقه حاکمه گردانیده. این گروه نتجیبه تحقیقات ضد انقلابی خود را هفته گذشته به شاه‌خاقان تحویل داد. طبق طرح تهیه شده قرار است تمییزاتی ظاهری در ساخت این حزب

فاشیستی داده شود و از جمله بناست که جناح سوسی در این حزب تحت زعامت نهبانندی این عامل بورژوازی - بسته به امپریالیسم تشکیل گردد تا بلکه بتواند عده ای از عناصر متزلزل و سازشکار بورژوازی لیبرال را به فعالیت در حزب فاشیستی رستاخیز جلب نماید. ولی اوضاع درونی رژیم حاکم بقدری آشفته و نابسامان است که همگسوسن از یکطرف جناح سوسی در این حزب ساخته می شود و از طرف دیگر عده ای صلحت را در آن می بینند که آنرا طرد نموده و حساب و کتاب خود را از این حزب فاشیستی جدا نمایند. بی جهت نیست که اینروزها شاه خائن نیز چون مار زخم خورده ای بخودی پیچد و خود میداند که دوران سلطه نظام طبقاتی و نفوذ اربابان امپریالیسم - لیستی این بسر آمده است. اما هوطنان مبارز در شرایط گمونی که رشد خیزشهای توده ای ماههای اخیر در ناهای پر شهری از آینده نموده بخش جنبش و پیروزی انقلاب دموکراتیک خلقهای ما را در پیش روی گلبه عناصر و نیروهای ترقیخواه و دموکرات جامعه بخصوص کونیستها قرار داده است باید همچنان بروی اصول و پرنسپ های دموکراتیسم پیگیر پای فشاری کرده و پذیرش آنها را ملاک مبارزه و وحدت خود قرار دهیم. باید هر چه وسیع تر اصول دموکراتیسم پیگیر را تبلیغ و ترویج نموده در راه تحقق بخشیدن به آرمانها و شعارهای انقلابی آن ثابت قدم و پیشرو باشیم. این شعارها و اهداف اصولی انقلاب دموکراتیک ایران عبارتند از:

- اول - مبارزه علیه امپریالیسم و باند سیاه سرمایه داران وابسته و مزدور حاکم در ایران.
- دوم - سرنگون ساختن رژیم حاکم بوسیله قهر انقلابی توده ها.
- سوم - برپاداشتن جمهوری دموکراتیک کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر.
- چهارم - مبارزه با گلبه جریانهای رفرمیست و تسلیم طلب بویژه آن عناصر سازشکاری که هدفی جز زور و بند با نظام طبقاتی حاکم و تأمین سلطه امپریالیستها در ایران ندارند.

هوطنان مبارز اینهاست آن اصول و پرنسپ های دموکراتیسم پیگیر که برای تأمین منافع تمام خلقهای تحت ستم ایران و همچنین برای تضمین نبودن پایه های یک انقلاب دموکراتیک پیگیر بنفع زحمتکشان و بویژه کارگران - باید در مد نظر و حساسیت همه ما قرار گرفته و در نهایت کوشش و توان انقلابیمان در راه تحقق بخشیدن به آنها مبارزه کنیم. بنابراین گلبه عناصر و نیروهای سرفی دموکرات و حتی لیبرالهای ترقیخواه میبایست مبارزات

خود را در جهت تحقق بخشیدن به این شعارها متمرکز نمایند. در این رهگذر هرگز رژیم خائن شاه نخواهد توانست با تسک جویی به مانورهای تبلیغاتی در باب نظاهر به محترم شمردن آزادی های دموکراتیک موجب عوامفریبی و خوش باوری مردم تحت ستم ایران بشود. خلقهای رنجبر ما میدانند که تا این رژیم خونخوار و دمنش بر مسند قدرت است هر گونه آزادی و حقوق انسانی برای آنها معنایی نخواهد داشت. آنها در طول تاجر - بیات عینی و تاریخی خود این حقیقت را درک کرده اند که جز جنایت، زورگویی و چپاول نمی توان انتظار دیگری از این رژیم وابسته به امپریالیسم داشت. زیرا این رژیم ابزار قدرت و چماق سرکوبگر سرمایه داران مزدوریست که علناً در مقابل خلق قرار گرفته اند. این چنین دستگاهی هرگز نخواهد توانست آزادی و حقوق حقه مردم را به آنها بازگرداند. چون در اصل ماهیت وجودی این رژیم وابسته به انقیاد توده های خلق می باشد. تنها بارشده کن شدن نظام حاکم و برقراری جمهوری ای که رهبریت آن بدست کارگران - دهقانان و زحمتکشان ایران باشد حقوق اقتصادی اجتماعی و سیاسی خلقهای تحت ستم ایران تأمین خواهد شد.

ای پرچم انقلاب

بپذیر در سایه خویش کبوتران را

ای کوکب سرخ روشنی بخش،

از جلوه خویش خاوران را

ای بیبرق سرخ پرده شکاف

فرصت مده ایمن توانگران را

ای داس دهانتیان همسر کن

گردن بزن این بداختران را

از دست نرود گاو برادر

تاج بزر این سبکوران را

ای رنجبر دلیر برخیز

افراز به سر تو ایستادن خیزد ایران را

افراز به سر تو ایستادن خیزد ایران را در راه آزادی طبقه کارگر

مسائل جنبش دانشجویی

هوطنان مبارز - کارگران و زحمتکشان ایران درود بر شما!

موضوع مورد بحث امروز ما در باره نقش و وظیفه روشنفکران دموکرات و انقلابی نسبت به جنبش خودبخودی و مبارزات زحمتکشان جامعه می باشد. بطور کلی باید گفت که در جوامع طبقاتی روشنفکران گروه حساس و از لحاظ کیفی قابل توجهی را تشکیل می دهند که بخشهای مختلف آن در خدمت اهداف و منافع طبقات گوناگون جامعه قرار میگیرند. در جوامع تحت سلطه امپریالیسم مانند ایران روشنفکران به دلیل برخورداری از امکانات آموزش و مطالعات علمی و تحقیقی می توانند خیلی سریع به مسائل و مشکلات بنیادی جامعه می بپردازند. بخش مهمی از این روشنفکران در پروسه کسب آگاهی و شناخت علمی تحت تاثیر مبارزات خلق به مبارزه کشیده شده و به جهت گرایش که به توده ها و حقانیت مبارزه آنان پیدا می کنند امکانات مادی و معنوی خود را در جهت تأمین منافع توده های تحت ستم قرار می دهند. پس روشنفکری که منشا طبقاتی غیر پرولتری دارد الزاما برای همیشه در مبارزه طبقاتی از بورژوازی و یا خرده بورژوازی جانبداری نخواهد کرد بلکه با شرکت در جریان پراتیک انقلابی می تواند مواضع طبقاتی خود را به نفع توده های تحت ستم تغییر داده و در مقام یک روشنفکر انقلابی به مبارزه طبقاتی پرولتاریا بپیوندد. بنابراین مبارزه جوتزین - آگاه ترین و صادق ترین عناصر موجود در میان روشنفکران آنهاست هستند که در خدمت تأمین منافع و تحقق آرمانهای انقلابی کارگران و سایر زحمتکشان جامعه قرار میگیرند. اما بخش عظیمی از روشنفکران هر جامعه را دانشجویان تشکیل می دهند بنابراین گروه بندی های سیاسی - طبقاتی موجود در سطح جامعه عینا بازتاب مادی خود را در میان دانشجویان نیز پیدا میکند. وجودگرا پشاک مختلف سیاسی در میان دانشجویان خود بازتابی از گروه بندی های سیاسی جامعه است که در تحلیل نهایی نماینده منافع طبقات مختلف آن جامعه میباشند. به همین دلیل وقتی بحث پیرامون هدفهای سیاسی فعالیت و مواضع مشخص سیاسی را - دانشجویان و روشنفکران مطرح می گردد بلافاصله اختلاف نظرهای سیاسی و موضع گیری های متضاد بر حسب گروه بندیهای طبقاتی موجود در میان آنها پیش کشیده میشود. حتی اختلافات موجود بر سر مسائل صنفی و آکادمیک در درون این جنبش یعنی مضمون و نحوه برخورد گروههای مختلف دانشجویی با شعارها و درخواستهای صنفی - آکادمیک و هم چنین هدفهای نهایی که هر یک از گروه بندیها از این مبارزات دنبال میکنند بشدت تحت تاثیر گرایشات گوناگون و مختلف طبقاتی و سیاسی موجود در این جنبش می باشد. واضح است که این گروه بندیها اجتناب ناپذیر بوده و انمکاسی از گروه بندیهای طبقاتی و سیاسی موجود در جامعه میباشد که به مرور طی پروسه های مبارزاتی شکل گرفته و بالاخره هنگام با تکامل قطب بندیهای طبقاتی و سیاسی جامعه به سمت اشکال قطبی تر پیش میرود در چنین حالتی هر یک از این گروه بندیها بطور مشخص و طبعی با یکی از جریانات سیاسی داخل جامعه همخوانی و هماهنگیشان داده و حمایت و پشتیبانی خود را در اختیار این جریان قرار می دهند. اما همانطور که گفتیم فعالین آگاه - صدیق و مبارزه جو در جنبش دموکراتیک دانشجویان و روشنفکران آنهاست هستند که در جهت خدمت به زحمتکشان جامعه حمایت و پشتیبانی خود را در اختیار سازمان و یا حزب نمایند. پرولتاریا قرار داده و می کشند تا چارچوب فعالیت این جنبش را بر اساس شی دموکراتیک پرولتاریا قرار دهند. از آنجا که انقلاب گوتی ایران یک انقلاب دموکراتیک است و از آنجا که در این انقلاب سرنگونی رژیم بورژوازی وابسته و طرفداری نفوذ گلبه امپریالیستها مطرح است جنبش دانشجویی و روشنفکری نیز بعنوان بخش تفکیک ناپذیری از جنبش انقلابی بی خلق می باید این شعار را در راه سر مطالبات سیاسی خود طرح نماید. این ضرورت و خواست تاریخی جامعه تنها با بسیج توده های وسیع کارگران و زحمتکشان و پیوند روشنفکران انقلابی با مبارزات خودبخودی آنها امکان پذیر است این امر بخصوص از آن جهت قابل توجه است که می دانیم پرولتاریا پیگوترین و استوارترین نیروی دموکرات جامعه است و هیچ چیز نمی تواند مانع از آن شود که نه تنها در تمام قوا در انقلاب دموکراتیک شرکت نماید بلکه از نظر سیاسی در رأس آن قرار گرفته و دامنه انقلاب را تا حدود بسیار وسیعی - وسیع

تر از هر نیروی دموکرات دیگر در جامعه - گسترش دهد بر همین اساس عناصر و هسته های ماکسیست - لنینیست فعال در جنبش روشنفکری - دانشجویی مینماید ما خود بعنوان حامل معرفت سوسیالیستی نقش مهمی در شکل گیری و سمت دهی جنبش جوانان و روشنفکران و دانشجویان داشته و ارتباط تشکیلاتی آنان با سازمان یا حزب نام - بنده یولتاریا شرط لازم و تعیین کننده ای برای سمت گیری دقیق این جنبش حول شعارهای اصلی انقلاب برای تبلیغ و تحکیم مبنی انقلابی کمونیستی و گسترش مارکسیسم - لنینیسم در میان این نیروها بشمار میرود . به همین جهت حائز اهمیت است که امروز در شرایطی که تبلیغ و تدارک انقلاب - تبلیغ و ترویج شعار سرگرنی رژیپناکم وابسته ایران و استقرار جمهوری انقلابی دموکراتیک خلق در دستور کار نیروهای مبارز قرار گرفته است ما شاهدان هستیم که دانشجویان و روشنفکران دموکرات جامعه در تظاهرات قهرآمیز خود علیه رژیم حاکم ایران و برای ناسا - بودی آن شعار میدهند و با اتخاذ تاکتیکهای جدید تظاهرات خود را به میان مردم کشانیده و موسسات و مجامع امپریالیستی و بانکها و موسسات ستکر دولتی را مورد حمله قرار میدهند . بعنوان مثال حمایت دا - دانشجویان پیشرو از مبارزات مردم خارج محدوده بوسیله پخش اعلامیه و سپس کار آگاهگرانه در میان توده های دانشجوی در باره ظالم و ستمهایی که بر توده های زحمتکش شهرها و ساکنان خارج محدوده وارد میشوند نمونه جالب توجهی از این فعالیتهاست . اعلامیه های مرتب که از اوایل آبان در دانشگاه تهران در رابطه با حمایت دانشجویان از مبارزات مردم خارج محدوده منتشر گردید و اعلامیه هایی که در رابطه با مسائل کارگران و زحمت - کشان در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۶ توسط دانشجویان انقلابی دانشگاه تهران از میدان ۲۴ اسفند در امتداد خیابان آریزنهار پخش شد یا کشاندن مبارزات و تظاهرات دانشجویی به محلات توده ای ، به جلوی کارخانه ها یعنی ادامه و تکامل تاکتیک جدیدی که بخصوص از آذر ماه ۵۳ توسط دانشجویان دانشگاه تهران و سپس در خرداد ۵۴ توسط دانشجویان دانشگاه تبریز و آگاه دانشجویان اکثر دانشگاه ها پیاده شد از جمله این اقدامات و فعالیتها می باشد . در شرایطی که رژیم دست نشانده شاه جنایتکار روز بروز بر شدت سرکوب و خفقان خود می - افزاید و دیکتاتوری فاشیستی و ستم بیحد اقتصادی خود را هر روز با شیوه های مژزوانه تری نوام میسازد خلق ما و تمام نیروهای انقلابی و دموکرات و آزادیخواه جهان شاهد مبارزات تداوم یافته و تظاهرات توده ای دا - نشجویان مبارز ایران در شهرهای گوناگون ، در محافل و مجامع علمی و هنری ، در دانشگاه ها و دانشگاهها و ادانه باز هم گسترده تر شدن طولانی مبارزات آزادیخواهانه آنها علیه رژیم حاکم شاه و باند سرمایه داران وابسته به امپریالیسم می باشند . امروز روشنفکران و دانشجویان دموکرات ما با مبارزه گسترده خود علیه رژیم حاکم ایران با مبارزه قهر آلود و تداوم یافته خود علیه مزدوران و گارد پلیس یا خورد کردن موسسات وابسته و مزدور امپریالیست با طرح شعارها و مطالبات دموکراتیک و همچنین با نشان دادن هماهنگی و پیوستگی سیاسی و عقلی مبارزات ، خود با مبارزات انقلابی توده های زحمتکش خلق و با کشاندن صحنه این مبارزات از محدوده محافل و صحن دانشگاهها به خیابانهای جلوی کارخانه ها و محلات توده ای نشان میدهند که حقیقتا از مواضع استوار دموکرات - نیسم انقلابی حرکت نموده و از آگاهی سیاسی و روحیه انقلابی قابل توجهی برخوردارند . مخصوصا تظاهرات ۲۴ و ۲۵ آبانماه گذشته دانشجویان در مقابل دانشگاه صنعتی - تظاهراتی که به حمایت فعال مردم کوچه و خیابان و شرکت مستقیم آنها در این تظاهرات منجر شد در همه محافل توده ای و آگاه ایران و جهان عنوان نموده دیگری از سرزندگی و شادایی انقلاب در مینماید ، به عنوان نمونه بارزی از برآمد موج انقلابی در سطح جا - معه ایران انعکاس پیدا کرده است . این تظاهرات خصوصا از آن جهت دارای اهمیت بود که تنها به عده کمی از نیروهای آگاه و روشنفکر جامعه محدود نمی شد بلکه مردم کوچه و بازار ، کارگران و زحمتکش شهر نیز فعالانه با حمایت معنوی و مادی خود از این تظاهرات و شعار " مرگ بر این حکومت فاشیستی " استقبال کرده و مشتاقانه به کمک معدومین و مجروحین شتافتند ؛ برآستی که اوجگیری این مبارزات پیشرو و تداوم یافته توده ای منعکس کننده خواستها و تمایلات طبقات زحمتکش و دموکرات جامعه یعنی یولتاریا - دهقانان و تو - ده های مبارز شهری می باشد . هموطنان مبارز در ماههای اخیر همزمان با رشد و گسترش امواج تظاهرات و اعتراضات پر شوکه شما بار دیگر در عمل ثابت گردید که جنبش دانشجویان و روشنفکران انقلابی ایران به درستی در پیوند و ارتباط فشرده با جنبش زحمتکشان جامعه قرار دارد و در واقع خود نوید بخش درونهای پیشروی از اعتلا و رشد جنبش دموکراتیک و انقلابی در ایران می باشد .

گسترده تر باد همکاری - هماهنگی و تلاش مستقیم دانشجویان مبارز و روشنفکران دموکرات با جنبش توده های

توطئه رژیم در جهت ایجاد تفرقه بین مذهبیون انقلابی و کمونیستها

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

ما در برنامه امروز خود قصد داریم چه افشای کوششهای رژیم فتنه خلیق شاه خائن در جهت ایجاد تفرقه بین صفوف نیروهای مبارز خلق و از همه بهتر بین مذهبیون انقلابی و کمونیستها بپردازیم. هدف است که رژیم وابسته به امپریالیسم ایران از طریق ارگانهای تبلیغاتی خود از یکطرف به انتشار مقالاتی بخاطر ایجاد خصومت و تضاد آتش ناپذیر مابین مارکسیستها و انقلابیون مذهبی پرداخته و از طرف دیگر با علم کردن منحرفین مارکسیسم و مرتجعین مذهبی قصد تخطئه نمودن مبارزات و آرمانهای انقلابی مارکسیست - لنینیست ها و مذهبیون شرقی را دارند. مثلا حدود سه ماه پیش رژیم با برهه انناختن یک کارزار تبلیغاتی سعی شد که دانشجویان پسر مذهبی استفاده از خوابگاه و سلف سرویس را برای دانشجویان دختر تحریم نموده و برای عملی کردن این قصد خود به دختران دانشجو حمله کردند. رژیم در شرایطی دست به این کارزار تبلیغاتی زد که دانشجویان دختر و پسر دوش بدوش یکدیگر به جازه علیه سلطه گارد مزدور در محیط دانشگاه و همچنین افشای اهمیت وابسته به امپریالیسم رژیم سوا بپلوی برخاسته اند. همچنین عمال رژیم بلافاصله بنام روحانیت و مذهب مبارز به پخش این شایعه پرداختند که چنانچه زنها بدون چادر از خانه بیرون بروند بیروی آنها اسید پاشیده می شود. از آنجا که رژیم از اجزای بشماره ترین توطئه ها برای رسیدن به اهداف پلید خود باکی ندارد مزدوران خود را بسیج نمود و حتی در چند مورد عمل اسید پاشی را اجرا نمودند تا رعب و وحشت را زیاده تر کرده و با جلوگیری از اتحاد دختران و پسران مبارز مذهبی و غیر مذهبی ذهن توده ها و خانواده های زحمتکش را نیز از توجه به فارتگرها و سرکوب بشماره جنبش انقلابی سازد. و خشم ناشی از این وحشت را نیز توجه مبارزان مذهبی بنماید رژیم میکشید تا از طریق برهه انداختن تظاهرات و برنامه های ساختگی در رادیو - تلویزیون و روزنامه های وابسته به خود "صحت" شایعات پراکنده شده را تقویت نماید. رژیم با به سر زبان انداختن خطر اسید پاشی بیروی دختران و زنان بی چادر میخواست از پیوستن زنان و دختران آگاه و مبارز به میدان عمل انقلابی و هدوشی با مردم جلوگیری بعمل آورد. در حقیقت طراحان رژیم میخواستند با بوجود آوردن این ترس ذهن زنان مبارز میو را نسبت به انقلابیون بدبین کرده و آنها را به خانه نشینی و کاره گیری از مبارزه تشویق نمایند. رژیم همچنین میخواست بر علیه نیروهای انقلابی چنین تبلیغ نماید که آنها دارای اهداف عقب مانده ای بوده و میخواهند زنان و دختران را در روابط عهد عتیق نگاهدارند و با محدود کردن آنان در چارچوب حجاب و خانگی نشینی آزادی را از آنان بگیرند، در نالیکه ما حامی واقعی آزادی و برابری زن هستیم. دانش - آموزان دختر دبیرستانهای تهران در تاریخ ۲۵ اسفند ماه گذشته طی اعلامیه ای پرده از روی این توطئه برداشته و آنرا افشا نمودند. آنها ضمن آگاه نمودن دختران دانش آموز درباره این حمله ها چنین نوشته اند:

"ما دانش آموزان دختر دبیرستانهای تهران احترام و هیستنگی عمیق خود را به مبارز طی در راه سرنگونی این رژیم فساد و فسارت و جنایت اسلام سکیم و پشاپش هرگونه تلاش ذبوحانه رژیم در جعل اعلامیه و تظاهر - ات ساختگی بنام دختران دانش آموز را بدین وسیله تکذیب و رسوا میکنیم. " وحشت دستگاه حکومت از اینکه می بیند روحانیت مبارز و شرقی هدوشی با سایر انقلابیون دمکرات و کمونیست ایران در یک صف قرار گرفته و بر - ای سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم ضعدا به مبارزه پرداخته است موجب شده است دست به شایعه پراکنی ها و پخش سی شرمانه تحریفاتی بزند تا بلکه در این صفوی متحد تفرقه و جدایی ببیناند. اما زنان و مردان زحمتکش ایران با مبارزات شهنامیز خود و بخصوص در ماههای اخیر این نقشه های رژیم مزدور شاه را رسوا ساخته و نقش بر آب کرده اند. شاه خائن بی روزهای ۹ و ۱۰ خرداد ماه گذشته در صحت چند روز قبل از

سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ به زیارت مشهد رفت تا به اصطلاح خود را عادل و مسلمان نشان دهد . شاه در این سفر دست به تبلیغات وسیعی جیبی بر اینکه او و خانواده اش احساسات مذهبی داشته و به شعائر اسلام احترام میگذارند زد و کوشید تا خود را طرفدار و مدافع مذهب قلداد نماید . همزمان با این سفر روحانیون خود فروخته و آخوند های درباری در باب اعتقادات " پاک " و " خالصانه " شاه فاسد و نسیبکار تبلیغات بسیاری برپا انداختند . آنها بدین طریق میخواستند مرز میان مذهب شرقی و ارتجاعی را که در طی جاززه ای طولانی و آتش ناپذیر با خون کشیده شده است مخدوش ساخته و ذهن جاززین مذهبی را شرف سازند . آنها حتی سعی میکنند تا با کنار آمدن و مرد در نبودن بعضی از رهبران محافظه کار مذهبی این نقشه خائنانه خود را عملی سازند . شاه خائن بهرمانه در صاحبه ای که در پایان سفر خود به خراسان ترتیب داد به مذهب صترقی حمله نمود و رهبران جاززه جو و انقلابی آنرا تحقیر کرد . ولی نیروهای انقلابی ایران هرگز فروتنی نمی کنند که چطور روحانیون جاززی مانند آیت الله سعیدی و آیت الله غفاری در زیر شکیه های قرون وسطائی مزدوران رژیم قهرمانانه استقامت کرده و حاضر نشدند که بخلق زحمتکن مبین خود پشت کنند . همینست سلطان جاززی چون آیت الله طالقانی و آیت الله منتظری که در شکیه گاههای رژیم و در تبعید گاهها سرسختانه بر مواضع استوار خود بر علیه رژیم شاه و اربابان امپریالیستی اثر استاده لحظه ای در این راه نامل ننمودند ، نمونه های برجسته ای از مقاومت و جاززه آشتی ناپذیر روحانیون جاززی ایران هستند . هموطنان جاززی رژیم بغض از اهمیت و عظمت اتحاد نیروهای خلق اطلاع دارد و بدین جهت برای خدشه دار ساختن این اتحاد به هر توطئه و نیرنگی توسل میشود . اکنون مدتی است از طریق ایدئولوگها و روشنفکران وابسته به خود وارد عمل شده و به کمک ارگانهای تبلیغاتی خود دست به تحریف تاریخ مبارزات قهرآمیز توده های ستم کشیده و عقاید رهبران آنان در سایر کشورها زده است تا بلکه از ایدئولوژی مارکسیسم و آرمانهای انقلابی آن در ذهن توده های زحمتکن جیبی بسازد که دیگر نتوان از آن بعنوان جهان بینی انقلابی طبقه کارگر نام برد . رژیم با وسعت از آگاه بودن به این حقیقت که در طول تاریخ جنبش کارگری همواره مارکسیسم — لنینیسم هدایت کننده جنبش های رهایی بخش و دموکراتیک بوده و همیشه مبلغ مبارزه و اتحاد مشترک بین طبقه کارگر و سایر اقشار و طبقات انقلابی بوده است مذبحخانه میگوید تا مذهبیون جاززی را بر علیه کونستیتها بشوراند . این است که میخواهد با ارائه انحرافات و تحریفات عده ای به اصطلاح ثابت نماید که کونستیتها دشمن سر سخت مذهبیون نریخخواه هستند . طراحان و جلجان حنایتکار رژیم مزدور شاه خلقی " پدرانسه " و " خیرخواهانه " به روحانیت مبارز هشدار میدهسد که از اتحاد و همکاری با کونستیتها بر حذر بمانند .

مخن گیان و ایامتان رژیم وابسته به امپریالسم شاه خیلی دلشان میخواهد که کونستیتها را از صفوف مبارزات دمکراتیک و انقلابی خلقهای تحت ستم ایران طرد کند . آنها از آرمانهای انقلابی کمو نیستجا که خواهان محو استعمار فرد از فرد و سرکشی سرسختانه ایامل حریصانه و آژندانه سرمایه داران غارتگر بوی و بین المللی هستند و ستم دارند . از این بر رو ای که بتوانند به حیات کیف و انگلی خود ادامه دهند به هر توطئه ای علیه آنها توسل میشوند . این است که گفتیم میخواهند مذهبیون جاززی را بر علیه مارکسیستها بشوراند . اما توده های مسلمان جاززی و شرقی در طول تاریخ مبارزات خود ثابت کرده اند که درباری از کینه و نفرت بین آنها و رژیم وابسته به امپریالسم حاکم بر مبین ما فاصله وجود دارد . منافع آنها و کویه خلقهای تحت ستم ایران هیچ نقطه مشترکی با منافع رژیم پهلوی و اربابان خارجی آن ندارد و نخواهد داشت . هم اکنون توده های زحمتکن ایران دوشیدوش بیدنگر تحت رهبری نیروهای جاززی مذهبی — دمکرات پیگیر و کونستیتها به جاززه قهر — آلود و آشتی ناپذیری بر علیه نظام طمقاتی حاکم برخاسته اند این مبارزات هرچه گسترده تر و پیروز ضدانسه

سرمبار !



بودجه سال ۱۳۵۷

هعوظنان مبارز کارگران و زحمتکشان ایران ا درود بر شما!

در گفتار امروز خود ، بودجه سال جاری را که در اواخر سال گذشته توسط دولت ارتجاعی رژیم وابسته به امیرالایسم شاه خائن طرحریزی و تصویب گردید مورد بررسی قرار میدهم . بررسی آمار و ارقام موجود در بودجه از آن جهت قابل توجه است که می تواند به بهترین نحوی ما را در جریان برنامه ها سیاست های اقتصادی - اجتماعی و نظامی حاکم قرار دهد . داشتن یک دید صحیح از این طرحها برای شناختن ماهیت واقعی اقدامات دشمن و در نتیجه برای افشا نمودن دقیق تر این افراد ضد خلقی امری است لازم و ضروری . (۱۰۰۰) و تحلیل بودجه های که در نظامهای طبقاتی از سوی دولتها طرحریزی میشود بخشی ماهیت واقعی این رژیمها را به ما نشان داده و روشن می نماید که چه خطبشی ای در تنظیم این بودجه ها انتخاب شده و نهایتاً در خدمت اهداف و نیازهای چه اقشار و طبقاتی از جامعه می باشد .

اکنون بهترین جوانب بودجه سال جاری را مورد بررسی قرار میدهم . شاید بارها از طریق ارگانهای تبلیغاتی رژیم شنیده باشید که طراحان اقتصادی دولت بودجه اسامال را بودجه فد توری نامیده اند . آمو زگار گفته است که مهار تورم تثبیت اوضاع نابسامان اقتصادی و در یک کلام فرونشاندن بحران فلج کننده اقتصادی بحرانی که نرخ تورم آن حدود ۳۳٪ بوده است جزو اهداف این بودجه می باشد . اما ببینیم که این هدف چگونه و به چه بهائی دنبال شده است . حدود تورم با آن شتاب و مقداری که درایران وجود دارد به معنای گزافی سریع و افزایش طاقت فرسای ارزاق عمومی و چند برابر شدن هزینه زندگی در مدتی کوتاه می باشد . رژیم ارتجاعی حاکم در ایران به بهانه اینکه ازباید درآمد سالانه یعنی بالا بودن سطح دستمزدها عامل بود جود آورنده تورم است کوشید تا علیرغم افزایش قیمتها از افزایش سطح دستمزدها جلوگیری به عمل آورد . بعبارت دیگر رژیم سرمایه داری حاکم در ایران یا مستحک قرار دادن این مشگ که انفجار صرف یعنی افزایش بیش از حد تقاضای خرید در مقابل کمبود عرضه کالاهای مصرفی موجب بروز تورم یعنی افزایش سریع قیمتها شده میکشند تا با توسل به سیاستهای انقباضی قدرت خرید توده های خلق را کاهش دهد . بدین ترتیب است که بار سنگین بحرانهای اقتصادی رژیم مستقیم بدون زحمتکشان جامعه منتقل میشود در صورتیکه بروز بحرانهای اقتصادی که به صورت تورم و یا رکود ظاهر میشوند یکی از عارضه های علاج ناپذیر سیستم اقتصادی سرمایه داری است و اصل و طبع بی حد و حساب انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران کمپرادور ایران ، رسیدن به سود بیشتر و جیب سگردد که سنگینی بار این بحرانها مستقیماً بدون تیره ای مولده یعنی کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان منتقل گردد . آنها هرگز حاضر نیستند که از میزان سودهای کلان و تضاعبی خود بکاهند . به همین جهت است که در بودجه سال جاری کوشش به عمل آمده که از طریق افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بار سنگین بحران و تورم اقتصاد نابورون و ورشکسته سیستم بر روی توده های وسیع خلق سرشکن گردد . آموزگار علناً به هنگام طرح مفاد بودجه سال جاری بدر مجلس اعلام نمود که این بودجه نشان میدهد که دولت تصمیم گرفته است از طرق افزایش مالیاتها به این هدف برسد . طبق آمار و ارقامی که بطور رسمی از طرف دولت منتشر شده اند در سال جاری ۱۹۳ میلیارد ریال بیش از سال قبل مالیات دریافت می نمود . این بدان معنی است که ۱۱۴ میلیارد ریال از هزینه گز بودجه اسامال از طریق مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تأمین می شود . این مقدار از مالیات ۲۶٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در سال گذشته و ۷۸٪ بیشتر از مقدار مالیات دریافت شده در دو سال پیش می باشد . این در حالی است که ۱۹۳ میلیارد ریال بیشتر از سال گذشته از مردم طلبیات

رژیم ارتجاعی استبداد پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

در یافت خواهد شد . اما نکته جالب تر در اینجاست که از کل این مقدار مالیاتی که می باید دریافت گردد تنها ۲۷۶ میلیارد ریال آن بطور غیر مستقیم دریافت می شود . علت اهمیت این موضوع در آن است که افزایش مالیاتها و بخصوص افزایش مالیاتهای غیر مستقیم . مستقیماً به زبان توده های وسیع خلق نام می شود .

مطالعه مالیاتهای غیر مستقیم به این ترتیب است که رژیم با ازدیاد مالیاتهای که بر ارزاق عمومی و کالاهای اولیه مانند قند - چای - برنج - گوشت - لبنیات - پارچه و غیره می نمود مستقیماً موجب محدودیت قدرتشهریه توده های فقیر و بعبارت دیگر دریافت سهم بیشتری از در آمد ناچیز آنها می گردد . به همین جهت است که میگوئیم ازدیاد مالیاتها بطور مستقیم فشار بحران و تیرم اقتصادی را بر دوش افراد و طبقات زحمتکش جامعه سرشکن می نماید . طبق آمارهای که در کیهان ۱۳ بهمن ماه ۱۳۵۶ منتشر شده صرف کنندگان کالاها و وارداتی حقوق بگیران صاحبان مشاغل و اصناف جمعا ۳۴۱/۸ میلیارد ها ریال مالیات خواهند پرداخت . در صورتیکه شرکتهای خصوصی و دولتی تنها ۱۴۳ میلیارد ریال مالیات می پردازند . این خود بدان معنی است که در سال جاری توده های کارگر دهقان و اقشار متوسط شهری جمعا حدود ۲/۵ برابر بیشتر از سرمایه داران بخش خصوصی و دولتی مالیات خواهند پرداخت . همچنین طبق آمار منتشره در همین شماره از کیهان در سال جاری میزان مالیات بر ثروت نسبت به سال گذشته ۸٪ کمتر خواهد شد . این نکته نیز بخوبی نشاندهنده حمایتی است که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خائن از انباشت ثروت در دست عده ای محدود از سرمایه داران موجود در طبقه حاکم بعمل میآورد . اکنون ببینیم بودجه ای که سیدین طریق از در آمد ناچیز توده های زحمتکش و همچنین به کمک غارت و تاراج منابع زیر زمینی و بخصوص نفت تهیه میگردد صرف چه اجزای و اهدافی میگردد .

رژیم مزدور شاه برای حفظ منافع اربابان امپریالیستی خود بخشی عظیم از این بودجه را صرف ارتش - پلیس و ساواک میکند تا ضمن سرکوب مبارزات حق طلبانه خلقهای تحت ستم ایران به عنوان زاندارم امپریالیسم در منطقه - پاسداری منافع و سلطه فائزنگرانه امپریالیستها بپردازد . طبق آمار منتشره در اطلاعات ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۶ در سال جاری بودجه ای معادل ۷۰ میلیارد تومان برای ارتش در نظر گرفته شده است که کلاً ۱۳٪ از کل بودجه را شامل میشود . البته این مبلغ گزافی که صرف امور " دفاعی " کشور می شود از کل هزینه های سرسام آور بیگانه برای گرداندن ابزار سرکوب بنگار گرفته می شود بسیار کمتر است . طبق آمار رسمی که از طرف دولت انتشار یافته مجموع بودجه ای که برای امور دفاعی - حفظ امنیت داخلی و اجتماعات در نظر گرفته شده بسیار بیشتر از مجموع بودجه هایی است که برای تامین مسکن ، بهداشت ، آموزش و پرورش ، درمان و تغذیه و سایر امور عام المنفعه اختصاص یافته است . کیهان ۱۶ بهمن ۱۳۵۶ اعتبار کل این بودجه ها را برابر با ۲۷۹ میلیارد تومان دانسته است . حال آنکه گفتم تنها بودجه دفاعی برابر با ۷۰ میلیارد تومان است . هبوطنشان جایز بررسی دقیقتر آمار و ارقام موجود در بودجه اصل مستلزم دقت بیشتری است اما در همین مختصر تحلیلی که ارائه گردید ماهیت واقعی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم شاه و سیاستهای ارتجاعی و ضد خلقی آن بخوبی بسی نمایان است . بنابراین بودجه اصل دولت آریز گار نیز مانند بودجه هائی که در سالهای گذشته توسط دولت همدان تهیه می شد بر پایه غارت منابع خلق و استثمار توده های زحمتکش ایران طرح ریزی شده است .



علل تشکیل حزب فاشیستی " رستاخیز " و بحران کنونی آن (بخش اول)

هوشنان مبارز کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

در هفته های اخیر بحران جدیدی در بهترین ارگان سیاسی رژیم مزدور شاه یعنی در حزب فاشیستی رستاخیز ظهور کرده است . خصمین و کارشناسان رژیم از یکطرف برای جلب رضایت عده ای از لیبرالهای سازشکار و تسلیم طلب رنگ و جلای تازه ای به آن زده و اقدام به تشکیل جناح سوسی در این حزب فاشیستی کرده اند و از طرف دیگر عده ای از عناصر دور اندیش طبقه حاکم صلحت را در آن دیده اند که حساب کار خود را از این حزب مغفور و طرد شده در نظر توده ها جدا کرده و مستقلا به فعالیت بپردازند . در برنامه امروز علل تشکیل این حزب فاشیستی و سیاستی را که باند سپاه شاه و سرمایه ادران وابسته به او از ایجاد آن تعقیب مینمودند مورد بررسی قرار میدهیم .

حتما بسیاری از شما بیان دارید که شاه مزدور در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳ طی يك گفتار سطلوعاتی دستور لغو احزاب فرمایشی سابق و تشکیل حزب رستاخیز را صادر کرد . او در این سخنرانی خود خطاب به نمایندگان احزاب و روزنامه نگاران چنین اظهار داشت " عده ای از شما که گفتم مومن هم هستید طبق تقسیم خود ما در واقع رل اقلیت وفا دار را بازی میکردید . بازی کردن رل اقلیت وفادار در این ملکت خیلی مشکک است چون این رل اصلا قابل بازی کردن نیست " . این گفته شاه در آن زمان از آن جهت قابل توجه بود که او تا قبل از آن عهواره تظاهر بوجود دموکراسی چند حزبی در ایران میکرد و وجود چند حزب فرمایشی از نوع " ایران نوین " و " مردم " را مستحکی برای توجیه این تبلیغات افوا گرانه خود قرار میداد . او حتی در کتاب خود موسوم به " ماجربیت برای وطن " در این باره چنین نوشته بود " فاشیستها تنها بیک حزب ساسی اجازه وجود میدهند و هرکس بخواهد حزب دیگری تاسیس کند یا بر خلاف حزبی که سر کار است سخنی بگوید به احتمال قریب به یقین دچار تصفیه و اضطلال خواهد شد . از سال ۱۳۳۶ من با علاقه وافر از فکر تشکیل دو حزب اکثریت و اقلیت پشتیبانی کرده و آن فکر را به مرحله عمل در آورده ام . هرکس مایل باشد میتواند بدون هیچ پروا و معطلی به تشکیل حزب جدیدی اقدام کند . من چون شاه کنکور مشروطه هستم دلیلی نمیتوانم که مشوق تشکیل احزاب نباشم و مانند دیگران تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی ننمایم " . اما ببینیم که چه عوامل موجب شد که شاه ناچار شد به غیر قابل بازی کردن رل اقلیت در ایران اعتراف کند و تصمیم به انحلال احزاب فرمایشی گرفته و مانند سایر دیگرانوارها و فاشیستهای تاریخ تنها به حزب دست نشانده خود اجازه فعالیت سیاسی بدهد . ضد انقلاب میخواست تا بدین طریق خود را برای حفظ و حراست از منافع سرمایه داران غارتگر داخلی و خارجی و برای مقابله با جنبش انقلابی خلقهای تحت ستم ایران آماده و بسج نماید . در تمام طول تاریخ انتخاب سیاستهای خشنونت بازر سرکوب عهواره از سوی حکومتهای مرنج و بوسیده ای صورت گرفته که دوران بقا و دوامشان بسر آمده . آنها برای اینکه چند صباحی بیشتر به موجودیت خود ادامه دهند به آخرین تلاشهای مذبحخانه یعنی شیوه های ترور و اعمال منطک سر نیزه متوسل میشوند . شاه مزدور هم خواست بدین ترتیب نیروهای خود را برای مقابله با جنبش رو به اعتلای انقلابی بسج کرده و ضمن نفیض عقاید و تبلیغ افکار فاشیستی پایه هائی در میان مردم برای سلطنت منفرد و لزان خود بوجود آورد . رستاخیز شاه حرکتی بود برای هرجه بیشتر سلطنتی و هرجه بیشتر مطلق کردن نظام نپهای سرمایه داری ناموزون و وابسته به امپریالیسم ایران . بدین ترتیب خود کامگی سلاطین دوران عهد عقیق همراه با ویژه گیهای خاص آسیا نشانه آن همچون داغ باطلی بر پیشانی سیستم سرمایه داری ناقص الخلقه ایران خورد و کینه ادعاهای دموکراسی مابانه رژیم و حتی آرزو و شرف کادب لیبرالیسم تاریخی بورژوازی سازشکار و سلطنت را هم فرو ریخت . دیگر حتی سکوت لیبرالها و رفرمستهای بی آزار هم به معنای تأیید حکومت ترور و اختناق بود . شاه در سخنرانی ۱۱ اسفند ۵۳ خود در این باره گفت " ما باید صفوف ایرانیان را قشنگ رویش و تمیز بدهیم بدان یکتیم . آکسانیکه به قانون اعتدال و نظام شاهنشاهی و

انقلاب ششم بهمن عقیده دارند و کسانی که ندارند. آنها تکیه دارند من امروز این پیشنهاد را می‌کنم که برای اینکه رودرپایستی در بین نباشد یک تشکیلات جدید را پایه گذاری کنیم و اسم آنرا رستاخیز ایران یا رستاخیز طس بگذاریم. بدین ترتیب رژیم فاشیستی شاه علنا اعلام داشت که در برابر مبارزات روگسترش نوده ها حق بیطرفی را هم تحمل نمی‌کند یا می‌باید موافق بود یا مخالف. موافقین باید عضو حزب فاشیستی رستاخیز شوند و مخالفین هم طبق ادعای خود شاه یا میبایست پاسپورتهايشان را بگیرند. و از سلطنت خارج ششوند و یا تومسی نداشتنه باشند که در امور سیاسی به بازی گرفته شوند. شاه در همین سخنرانی خود به کتابه به مخالفین لیبرال و رفرمستی که در جارجوب نظام طبقاتی حاکم در بی اعطای آزادیهای "ملوکانه" میباشند گفت "ما یک نغمهای حقیقتا خجلت آوری میشنومیم که اصلا از یک نفر ایرانی قابل انتظار نیست". منظور شاه از این جمله این بود که هیچگونه ابراز مخالفتی حتی در جارجوب احزاب فرمایشی قابل قبول نیست. بیشک در آن شرایط نسبتا مساعد تر برای اعمال دیکتاتوری یک جانبه و قدر نشانه منطقی شاه مزدور در سرخورد به نغمهای نظلم جویانه لیبرالهای سازشکار چیزی نمیتوانست باشد جز اعمال خشنونت و تصفیه حساب خشن تر از طریق جلم کردن حزب رستاخیز. بیجهت نبود که تشکیل این حزب مدت کتر از چند ماه بعد از شدت یافتن تضادهای درونی هیئت حاکمه که بصورت مشاهدات و برخوردهای تند میان نمایندگان احزاب "ایران نوین" و "مردم" در مجلس بالا گرفته بود اعلام گردید. این جنگ و جدالهای درونی هیئت حاکمه بر سر نحوه اجرای قانون انتخابات سیاستهای صنعتی و کشاورزی و همچنین چگونگی استفاده و تقسیم درآمدهای حاصل از نفت بجائی کشید که سر انجام موجب برکناری عامری دبیر کل حزب مردم و بالاخره کشته شدن او شد. بنابراین شاه که همواره از این بیم داشت که جادا دولت و مجلس بیدان تاخت و تاز و کشمکش افشار و جناحهای مختلف طبقه حاکمه بدل گردد و احزاب فرمایشی دست نشانده و میدانگاه رقابتهای عناصر بورژوا ملک سرمایه داران بخش خصوصی و سرمایه داران وابسته به باند دربار بدل گشته و در برابر اوج رو بگسترش مبارزات توده‌های زحمتکش موجب بروز شکاف و ترک در ارگانهای سیاسی هیئت حاکمه ایران بشوند. بهتر آن دید که قبل از شدیدتر شدن تضادها دستور لغو کلیه احزاب دست نشانده و از جمله احزاب ایران نوین و مردم را صادر کند. رهبران این احزاب نیز بیکباره داوطلبانه خود را منحل کرده و یک شبه به عضویت حزب جدید التاسیس رستاخیز در آمدند. اما دبیری نهایتی که اختلافات موجود در هیئت حاکم و بویژه جناحهای موجود در هیئت حاکمه بازتاب مادی خود را در حزب جدید التاسیس پیدا کرد. رشد و اعتدالی مبارزات انقلابی این تضادها و اختلافات درونی را تشدید کرد طوری که دبیری نهایتی که دو جناح مسوم به "پیشرو" و "سازنده" به عنوان نماینده منافع جناح سرمایه داران و مالکان ارضی وابسته به باند شاه و جناح سرمایه داران بخش خصوصی در آن تشکیل گردید.

هموطنان مبارز اجازه دهید دنباله این بحث را در بر نامه آینده دنبال کنیم.



علل تشکیل حزب فاشیستی "رستاخیز" و همسران کونی آن (بخش دوم)

هیوژان یارز ، کارگران و زحمتکشان ایران ، درود بر شما!

در برنامه گذشته تمامی کلی از علل تشکیل حزب فاشیستی رستاخیز را ترسیم نمودیم . در گذار امروزین مبحث را جمع بندی کرده و به پایان میرسانیم . گفتیم که تشکیل حزب فاشیستی رستاخیز وجه دیگری از تشدید دیکتاتوری و خفقان رژیم مزدور حاکم در ایران بود که دیگر حتی کوچکترین حاشی برای لیبرالها و قانون اساسی خواهان رفرمیسم باقی نگذارد . شاه و رژیم مزدورش بدین ترتیب آشکارا و با وقاحت تمام طرح فرمانبرداری و برده ساختن کامل ملت ایران را اعلام کردند . طرح تشکیل حزب رستاخیز چیزی نبود جز یک سیستم سیاسی متمرکز در جهت تأمین نیازهای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایران . هدف از تشکیل حزب رستاخیز چیزی نبود جز یک طرح پلیسی - امپریالیستی که خفقان بیشتر و سرکوب خونین تر و بردگی بیشتر را برای خلق های تحت ستم ایران در نظر داشت. حزب رستاخیز چیزی نیست جز یک دستگاه عریض و طویل نفیض عقاید . جز تجلی آشکار دیکتاتوری سیاه پهلوی که دیگر حتی ماسک سفید دموکراسی پارلمانی را هم بر چهره ندارد . حزب رستاخیز اکنون نیست که ارتجاع میخواست بکام آن ضمن اعمال خشونت و منطبق زور با توسل به تبلیغات و عوامفریبی های ضد انقلابی پایه هایی در میان مردم برای نظام منززل و منفرد خود بوجود آورد . اینکه شاه توانست در ۱۱ اسفند ماه ۵۴ با یک نطق سر هم بندی شده طومار حیات همه احزاب موجود در ایران را یکپاره در هم بپیماید چه چیزی جز پوشالی بودن . جز فرمایش بودن و جز سفارده بودن این احزاب را میرساند . جالب اینجاست که سرمداران همین احزاب فرمایشی فقط بعد از یک نطق دو هفته خودشان به سفارده خودشان پرداختند و ابراز تعجب میکردند که چگونه توانسته اند تا این مقدار به این بازی سفارده یعنی بازی کردن رل اکثریت و اقلیت وفادار ادامه دهند . از یکطرف رشد و اعتلای نوبت بخش مبارزات همه جانبه توده های زحمتکش و از طرف دیگر خطر شدید تر شدن اختلافات و تضادهای درونی سیستم طبقاتی حاکم و در نتیجه خطر جاری شدن سیل خروشان مهاجرات قهرآمیز خلق در میان منافذ و شکافهایی که خود در وهله اول در اثر همین مبارزات در اتحادنامه های پاندهای مختلف هیئت حاکمه بوجود آمده بود کارشامان امپریالیستی رژیم را به فکر ایجاد حزب فاشیستی رستاخیز بعنوان ارگان متمرکز ضد انقلاب و اهرم سیاسی - تشکیلاتی نظام سرمایه داری وابسته برای کنترل و سرکوب خشونت بارتر هرگونه صدای حق طلبانه انداخت . اینکه شاه رژیم اعلام نمود که هیچگونه بی طرفی را تحمل نخواهد کرد . یا می باید اصول سه گانه این حزب فاشیستی را پذیرفت و به عضویت آن در آمد و یا کاریجسار امور سیاسی مملکت نداشت نشاندهنده این بود که دشمن خود به مرزبندی بین صفوف خود و صفوف خلق برده داشته و هیچ ساحل امنی و هیچ راه وسطایی برای چنین نیروهایی باقی نگذارده . او اقرار صریح بردگی و بندگی را بی طلبید و هر موضعی جز این را دشمنانه قلمداد میکند . بنابراین ، این دیگر تنها انقلاب نبود که صفوف خود را مشخص میکرد بلکه اینک ضد انقلاب نیز به مرزبندی بین خود و خلق پرداخته بود . امارتدو وسیع مبارزات انقلابی توده های خلق موجب شد که رژیم مزدور شاه ناگزیرا وادار به عقب نشینی شده و حرف از اعطای آزادیهای بیشتر و محیط باز سیاسی بزند . شاه خائن که در گذشته علنا مخالفین بی آزار خود را نیز تهدید به زندان و اخراج از مملکت میکرد . اکنون مدتی است که معصومانه مدافع حقوق بشر و فعالیت آزاد سیاسی شده است . شکست مفتضحانه برنامه های ضد خلقی حزب فاشیستی رستاخیز به جای میکند که شاه در مصاحبه مطبوعاتی ۲۴ اردیبهشت ماه گذشته رسماً از فعالیتهای جناحهای موجود در آن ابراز ناخرسندی میکند . بلافاصله جمعی از اخباری هماهنگ کنندگان جناحهای "پیشرو" و "سازنده" از کار بر کنار میشوند . عده ای از نمایندگان نیز تحت رهبری یژشگور مصلحت را در آن من بینند که این حزب را ترک کرده و مستقلانه فعالیت خود ادامه

دهند. در چنین شرایطی هوشنگ نهاوندی یکی دیگر از عاملین سرسپرده انحصارات امپریالیستی وارد میدان میشود تا رنگ و جلای تازه ای به این حزب روشنگر ببخشد. او طرح دهگانه‌ای تحت عنوان "حرکت بساز سیاسی" در جهت "نوسازی" این حزب تهیه کرده و به شاه تحویل میدهد. طبق این طرح جناح سوسیالیست از کار شناسان رژیم و روشنفکران خود فروخته در این حزب بوجود میآید تا کنترل دقیقتر امور برنامه‌ها، ضد انقلابی این حزب فاشیستی را به‌عهده گیرد. نهاوندی در سخنرانی اول تیر ماه جاری در باره اهداف این حزب میگوید "حزب رستاخیز ملت ایران آنجیزی که شاه و ملت میخواستند نشد ولی فکر و اندیشه و طرح اولی غلط نبود و بنظر من هنوز هم در این بعد زمانی از نظر تحول اجتماعی همه میکنند که این ادعای نهاوندی درست ایران در رسالتی که بعهده دارد توفیق یابد". اما نکته جالب توجه این است که این ادعای نهاوندی درست در همان روزی پیاده شد که در مجلس شورای ملی نمایندگان این حزب فاشیستی بجان هم افتاده و با مشت‌های گره‌نده بسوی یکدیگر حمله برده و همدیگر را محکوم به پیمان شکنی و خیانت به شاه مزدور و رژیم وابسته به امپریالیسم او میکردند. روز نامه اطلاعات در شماره اول تیر ماه جاری ضمن نقل مشاجرات و دعوی نمایندگان جناحهای مختلف هیئت حاکمه در مجلس مینویسد "که یکی از نمایندگان بنام عباس میرزایی از جای خود بلند شد و به طرف تریبون دوید و در حائیکه مشت‌های خود را بطرف پزنگیور گره کرده بود گفت: "تو سلطنت را داری به‌آنجب میکشانی". پزنگیور نیز در جواب (....)



باند های "پزشکپور" و "بنی احمد" و "حزب رستاخیز"

هموطنان مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

در برنامه امروز بررسی ماهیت مخالفتهائی که از سوی بعضی جناحهای موجود در درون حزب فاشیستی رستاخیز و هیئت حاکم نسبت به خود گامگی باند سياه شاه ابراز میشود می پردازیم. اهمیت این بحث از آن جهت است که نیروهای مبارز و دگرگات خلق می باید دیدی واضح و روشن نسبت به اختلافات و تضادهای درونی رژیم داشته باشند تا بتوانند به این ترتیب از افتادن در دام لشکردهای بظاهر دموکراتیک بعضی از باند های موجود در آن از این اختلافات نهایت بهره برداری را بفرمایند و از آنها بگریزند. هم اکنون هر یک از باند های مختلف موجود در هیئت حاکم کامل رژیم وابسته به امپریالیسم را ترسیم نمائیم. هم اکنون هر یک از باند های مختلف موجود در هیئت حاکم که بنابر متضاتی طبقاتی و صلاحیتد جناحهای امپریالیستی و پشتیبانی خود در رقابت با یکدیگر شیوه های خاصی را برای حل مسائل اقتصادی و سرکوب جنبش انقلابی پیشنهاد می کنند. در این رابطه جنگهای مختلفی در میان نمایندگان مجلس و اعضای حزب فاشیستی رستاخیز وجود آمده است. تشکیل جناح سوسی در حزب رستاخیز ضلک از دار و دسته نهباندی احمای مجدد حزب پان ایرانیست توسط پزشکپور، تشکیل فراکسیون در مجلس تحت رهبری بنی احمد تنها نمونه هایی از بروز خارجی این اختلافات درونی رژیم میباشد. هر یک از باندهای مختلف موجود در هیئت حاکم برای تقویت جناح خود در پی آن است که با اتخاذ تدابیر و دست های لیبرال مآبانه حمایت و پشتیبانی لایه های هر چه وسیع تری از بورژوازی لیبرال اصلاح طلب را بفرمایند و کسب کند تا در نهایت بتواند با وجهالمصلحه قراردادان قدرت آنها امتیازات و گذشتههای بیشتری را بفرماید. از سایر باندهای موجود در هیئت حاکم کسب نماید. بنابراین شدت و ضعف وابستگی های باند ها و نماینده های امپریالیستی و موقعیت حاضر و جایگاه هر یک از آنها که در هیئت حاکم دارند مورد توجه قرار داد. از این رو بورژوالیبرالهای واقعا ترقیخواه ما میبایست به این امر واقف باشند که لیبرال نمای های بعضی از باندهای موجود در هیئت حاکم در ماهیت امر نه بخاطر دلسوزی و خواست ترقیخواهان آنها بلکه در اصل بخاطر کسب نیرو و بزرگسویی بیشتر در رقابت با مارزه با سایر باندهای موجود در هیئت حاکم می باشد. روی خوشی که بعضی آنها نسبت به لیبرالهای ترقیخواه از خود نشان میدهند حرکتی است تاکتیکی و کاذب که درست بخاطر چیرگی بر جنبش انقلابی و به انحراف کشاندن آن می باشد. از آنجا که هر یک از باندهای مختلف موجود در هیئت حاکم با صد بند آشکار و نا آشکار به جناحهای مختلف امپریالیستی مرتبطند باید لیبرالیسم ظاهری آنها را هم از نوع لیبرالیسم امپریالیستی دانست. بعنوان مثال برخی سخنان بعضی مخالفان حزب فاشیستی رستاخیز را که در واقعیت در جهت مخالفت با سلطه مطلق العنان باند سياه شاه در پایان دوره اخیر مجلس از سوی بعضی از نمایندگان ابراز شد مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. نتیجه میبویم که در خواستها و مطالبات بظاهر لیبرال مآبانه آنها تا چه حد سطحی و خالی از هرگونه محتوای ترقیخواهانه می باشد. محسن پزشکپور در تاریخ ۲۸ خرداد ماه گذشته در مجلس گفت: "چون حزب رستاخیز را در مسیر رستاخیز ملت ایران نمی بینم در سنگر خود یعنی حزب پان ایرانیست همچنان باقی خواهم ماند". او سپس در توضیح انگیزه احمای حزب پان ایرانیست مطالبی را در مجلس بیان داشت و از جمله گفت: "رستاخیز با اصول و مبانی بنیادی آن که ریشه های عمیق تاریخی و اجتماعی دارد خود نهضت تمام و مستر ملت ایران است. چنین نهضت تمام و مستری نمی تواند حزب باشد. بنابراین اینک بجوایند این ابراز پروردگار که اعتقاد به جانی رستا-

خسبز افتقاد به نظام شاهنشاهی که در جایگاه قانون اساسی بصورت مشروطه سلطنتی تجلی نموده است و بسا افتقاد به قانون اساسی مستلزم این است که کسی الزاما عضویت تشکیلات خاصی را داشته باشد نهی ثلاث و فشار تلقی خواهد شد. حزب پان ایرانیست هم که بر سر خاسته از تاسیساتالیم ایران است در دل رستاخیز قرار دارد. "بدین ترتیب بطور اختصاری معلوم میشود که امری که یزشکیور و یارانشر را وادار به مخالفت با حزب رستاخیز نموده نه دلوسوزی و علاقه آنها نسبت به منافع ضایع شده و حقوق دموکراتیک توده های تهن دست بلکه در واقعیت امر برای کسب قدرت بهتر در رقابت با سایر جناحهای موجود در هیئت حاکمه می باشند .

همچنین فراکسیون که احمد بنی احمد در مجلس براه انداخته بعنوان یکی از اولین اقدامات خود از لایحه اصلاح قانون انتخابات انتقاد کرده است . جالب ایندست که طیفوات خارجی غرب در حمایت از آنها سیاستی را که از طرف این جناح عنوان میشد مشابه خط مشی احزاب سوسیال دموکرات کشورهای اروپای غربی توصیف نموده اند بنی احمد و طرفدارانش در بیانیه مربوط به کناره گیری خود از حزب رستاخیز که اول تیرماه گذشته صادر نمودند چنین اعلام دا: تند " ما علیرغم اینکه در حزب رستاخیز ملت ایران نیستیم با قبول هر مخاطره ای جهت تحقق آرمانهای ملی مبارزه خود را ادامه خواهیم داد برنسامه اساسی ملت ایران استقرار دموکراسی با استفاده از روشهای صالمت آمیز و قانونی است تا با مشارکت همه ایرانیان در اعمال حاکمیت جامعه پاسداری شوند ."

اما هموطنان مبارز - اینکه عناهری چون یزشکیور و بنی احمد رسوا اعلام میدارند که هیچگونه مخالفتی با سانی بنیادی رستاخیز ندارند- اینکه آنها خائنانه ادعا میکنند اصول فاشیستی رستاخیز محتوای عمیق تاریخی و اجتناب دارد - اینکه آنها علنا اعتراف میکنند به نظام شاهنشاهی افتقاد داشته و آرمانهای به اصطلاح ملی خود را می- خواهند با استفاده از روشهای صالمت آمیز و قانونی و در چار چوب نظام حاکم نامهن نمایند و بالاخره آنها می خواهند اهداف ضد انقلاب خود را تحت عنوان افتقاد به قانون اساسی که تازه در صورت اجزای کاملش نمیتواند پاسخگوی مطالبات و اهداف دموکراتیک عمومی جنبش باشد توصیف چه چیزی جز خود سوری و خود غرض آنها نیست به منافع دموکراتیک ما که خواهان سرنگونی کامل نظام شاهنشاهی هستیم می تواند باشد؟

"گروه بررسی مسائل ایران" و طرح فاشیستی آن علیه اقدار میهنی جامعه

حسروطن مبارز، کارگران و زحمتکشان ایران، درود بر شما!

دار و دسته نهبوندی در طرحی که تحت عنوان "حرکت ساده سیاسی" ارائه داده خواهان اعطای گذشت هائی از سوی رژیم در جهت فرو نشاندن شعله های مردم فزاینده تر اعتراضات و مبارزات قهرآمیز توده های مبارز ایران شده است. اساس حرکت طرح نهبوندی بر این پایه استوار است که از یکطرف زمینه مساعد تری را برای رشد آن بخش از سرمایه های غارتگر و وابسته که هم اکنون نسبت به قدرت سرمایه های بخش غالب هیئت حاکمه یعنی باند سیاه شاه و شرکا تحت فشار می باشند فراهم آورده و از طرف دیگر جنبش انقلابی توده های زحمتکش را به کمک شیوه های عوام فریبانه تری مهار و سرکوب نماید بهمن جهت در طرح پیشنهادی نهبوندی در رابطه با هدف اول پیشنهاداتی چون مبارزه با بورس بازی زمین، تعدیل نظر در اعتبارات بانکی بخاطر گامستن از حجم اعتبارات صرفی به نفع اعتبارات تولیدی، نقض بعضی از انحطارات و تأمین بعضی مکانیزمهای آزاد اقتصاد و همچنین تعدیل حمایت های گمرکی از صنایع انحصاری وجود دارد. اما در رابطه با هدف دومی که در طرح او تعریف شده است مواردی چون تعدیل در میزان مالیاتهای غیر مستقیم، الغای اطاق اصناف و جایگزین نمودن آن با اتحادیه های به اصطلاح دموکراتیک صنفی بچشم خجور، نهبوندی و دار و دسته او بر خلاف سایر بخش های موجود در هیئت حاکمه در مقابل با جنبش انقلابی و دموکراتیک توده ها طرحهایی را ارائه میدهند که بر اساس آنها فشار اختناق و استکبار حکومت به قدرت سرنیزه تا اندازه ای تعدیل یافته و در مقابل با اتخاذ شیوه های عوام فریبانه تری تحت عناوینی چون "ایجاد فضای باز سیاسی" به سرکوب جنبش اراده داده خواهد شد. هر چند که هم اکنون بعضی از ارگانهای رژیم مانند اطاق اصناف و یا وزارت دارائی به جهت وابستگی های خود به باند غالب هیئت حاکمه شدیداً به مخالفت با او برخاسته اند ولی می توان از هم اکنون پیش بینی کرد که سرانجام با جرح و تعدیلهایی ناعسار خواهد شد تا برای فرو نشاندن مبارزات دموکراتیک توده های خلق تدابیر ضد انقلابی این طرح را با یکدیگر به بوته آزمایش برزنند. به ادعای گروه نهبوندی ناسیانی های سیاسی - اقتصادی رژیم از ماهها قبل بوسله گروه آنها پیش بینی شده بود اما گزارش های آنرا مقامات اجرائی با تمسخر تعلق کردند. شاه نیز در سخنرانی خود در مراسم گنجایش کفراستر روشی دانشگاهی جهان که در ه نیر ماه گذشته در تهران انجام گرفت بطور صریح اساس حرکت دار و دسته نهبوندی را مورد تأیید قرار داده و گفت: "ما برای مقابله با دشواریها راه حل های گوناگونی پیدا کرده ایم مابه نظام کهنه فئودالی پایان داده ایم. نیادهای سیاسی ما باید با تحلیل این دگرگونیهای همزمان استیژ باشند تا خود را با خواستههای رو به تزاید جامعه تو و پویای ما انطباق دهند. مورد نظر ما آن است که نهادهای ایرانی شامل قوه قانون گذاری حزب رستاخیز انجمن های ملی و دیگر مراجع عمومی باید طیف گسترده تری از دیدگاهها را ضلعی سازند." بدین ترتیب می بینیم که شاه نیز ناچاراً برای حل ناسیامانیهای اوضاع خزلزل و شکننده اقتصادی و سیاسی رژیم طرح های به اصطلاح دور اندیشانه و مطالبه کارشناسان صلحت اندیش خود را تا اندازه ای پذیرفته است. اما اکنون ببینیم که ماهیت رفرمیاری ارائه شده از نوع انحلال اطاق اصناف در ظاهر برای ایجاد هماهنگی بین اتحادیه های صنفی و راهتانی اصناف ولی در حقیقت برای تعدیل بار تورم و بحران اقتصادی بر دوش پسته ویران کاسبکاران و بطور کلی بازاریان بوجود آمده. مثلاً طبق آمار منتشره از طرف دولت اطاق اصناف پایتخت سنو - لیت اتحادیه های صنفی را در بر میگردد که جمعاً بیش از ۲۰۰ هزار واحد صنفی را در زیر پوشش خود دارد و همگی ملزم به رعایت مقررات و تصمیمات اطاق اصناف می باشند. زور گوئی ماجوران و باج بگیران اطلسای اصناف در جریان حار و خشنجانی که رژیم بنام مبارزه با گرانفروشی براده انداخت بر کس پوشیده نیست. این اجلافات مزدوران رژیم (خود بویچ شده بد زار فاشیست و اعتراضی) رخنه کمترین فروتنی گان کثیر و نرحار بازار گردیده که (...)

اصولا نرخ فروش ارزاق عمومی توسط خرده فروشان تابع قیمت تعیین شده بوسیله وارد کنندگان ، دلان ، تولید کنندگان بزرگ و وابسته به انحصارات امپریالیستی اند و این در واقع آنها هستند که برای به جیب زدن سودهای کلان قیمت کالاها را صرفی را افزایش میدهند . یک دکاندار بازار یا حجره دار که فروشنده خرده پای خوابار یا لبنیات است نمیتواند نقش تعیین کننده در ایجاد تورم و گرانفروشی داشته باشد . در نتیجه اقدامات اطاق اصناف نه تنها موجب کنترل و کاهش قیمتها نگردید بلکه خود به زیان رژیم موجب افزایش نارضایتی و حتی تشدید تورم نیز شد . پس فروشنده ای که مجال هنگفتی به عنوان جریمه و باج به مأموران اطاق اصناف سپردار و ناچار است برای جبران ضرر خود آثرا بر روی قیمت کالاها خود سرشکن نماید ، یا مانند بسیاری از کاسبکاران ورشکست شده و سرمایه ناچیز خود را نیز از دست میدهند . اهمیت این قضیه وقتی بیشتر برایمان روشن میشود که از روی آمار رژیم معلوم گردیده که هزینه سالانه اطاق اصناف بیش از ۵۰ میلیون ریال بوده که تماما از طریق جریمه کردن اصناف و به بهانه گرانفروشی و تخلفات صنفی از آن اخذ می شده است . از طرف دیگر در بودجه سال جاری دولت آموزگار چنین به عمل آمده تا برای کاهش سطح تورم ، میزان تقاضا برای خریدن کالاهای صرفی را بوسیله محدود نمودن قدرت خرید مردم تعمیم دهند . به این جهت از یکطرف برای تأمین کسری بودجه و از طرف دیگر برای کم نمودن سطح تقاضا میزان مالیاتها و بویژه مالیاتهای غیر مستقیم را افزایش داده اند تا اینکه طبق آمار رسمی دولت در سال جاری ۳۷۷ میلیارد ریال مالیات بطور غیر مستقیم از مردم گرفته میشود . واضح است که بدین ترتیب فشار مالیاتهای غیر مستقیم بیشتر از همه بر دوش حقوق بگیران و به ویژه کارگران و سایر زحمتکشان وارد میشود چون آنها بیشترین صرف کنندگان ارزاق عمومی مانند قند ، پنیر ، نان ، جای و غیره هستند در مقابل میزان مالیاتهای غیر مستقیمی که از طبقات زحمتکش و متوسط گرفته میشود سرمایه داران و واسطه های وابسته به هیئت حاکمه و انحصارات امپریالیستی بطرق مختلف از پرداخت مالیاتهای مستقیم طفره میروند . بنا براین (۰۰۰۰) افزایش نارضایتی ها و اعتراضات خشم آلود توده های زحمتکش شده است . از همین رو است که طرح پیشنهادی دار و دسته صلحت اندیش نیاوندی شامل مواردی است که تعدیل مالیات های غیر مستقیم ، انحلال اطاق اصناف و تشکیل اتاقهای به اصطلاح صنفی دمکراتیک می باشد . اما همانطور که قبلا اشاره کردیم این ارگانهای سرکوبشنا یک جنبه فرعی از ماهیت طرح پیشنهادی رژیم می باشد . اساس حرکت این طرح بر این پایه استوار است که همزمان با فرونشاندن آتش مجازات دمکراتیک توده های خلق زمینه رشد و غارتگری بیش از پیش سرمایه های وابسته به انحصارات امپریالیستی را فراهم آورد . در این میان مخالفتهای شدیداللعن اطاق اصناف و متحد یگانه وزیر دارائی تنها ناشی از رقابتهاهی است که بین باند های مختلف موجود در هیئت حاکمه و بر سر نحوه تقسیم منابع ثروت خفهای تحت ستم ایران است . تنها با سرنگونی این رژیم وابسته به امپریالیسم است که کارگران - دهقانان و سایر زحمتکشان ایران می توانند به حقوق دمکراتیک خود نائل آیند .

هموطن مبارز !

به برنامه فارسی صدای انقلاب عمان که هر هفته روزهای شنبه ، دوشنبه و چهارشنبه ۲۰ / ۲۰ الی ۲۰ / ۲۰ دقیقه روی موج کوتاه ردیف ۴۱ / ۶۰ متر پخش میشود گوش دهید .

رفقا، دانشجویان مبارز با تمام توان مبارزاتی
خود به سازمان مجاهدین خلق ایران یاری رسانیم



کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P . D . R . Y .

آدرس پستی :

P.O. Box 246
Crater Aden
P . D . R . Y .